
افسانه‌های روستایی و فولکلورهای منطقه سقز

۳

گردآوری و تألیف:

عرفان صاحبی

مدرس دانشگاه پیام نور – مرکز سقز

عرفان صاحبی

افسانه‌های روستایی و فولکلورهای منطقه‌ی سقز

سقز: گوتار، ۱۳۹۳

ISBN: 978-600-6291-50-5

موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های سقزی -- ضرب‌المثل‌های سقزی

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۳۹۸/۲۰۹۵۵۴۲۳ PIR ۸۵۵۷ / ۲ ص ۷ س ۱۳۸۵

کتابخانه‌ی ملی ایران: ۳۳۷۲۳۵۷

عرفان صاحبی

افسانه‌های روستایی و فولکلورهای منطقه‌ی سقز

طراحی جلد: گوتار

عکس روی جلد: محمد بهرام‌پور

ویرایش: رضا شجعی

تایپ و صفحه‌آرایی: امید مقدس

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰

انتشارات گوتار

سقز، خیابان ۲۲ بهمن (پل هوایی)

تلفن: ۰۸۷۴-۳۲۱۸۰۶۱/۳۲۲۷۰۳۰

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤلف محفوظ است.

هرگونه کپی‌برداری، تکثیر و پخش بدون اجازه‌ی مؤلف غیرقانونی می‌باشد.

فهرست مطالب

۱۰.....	مقدمه
فصل اوّل : قصه‌ها و افسانه‌ها	
۱۷.....	مرد غنی و آرامش فکری
۲۲.....	مرد طماع
۲۹.....	سگ و گرگ
۳۲.....	دوستی سگ و گربه
۳۴.....	بازرگان
۳۸.....	دهقان و پسرش
۴۱.....	حق گرفتنی است
۴۹.....	با تقدیر تدبیر نتوان کرد
۵۳.....	عجله کار شیطان است
۵۵.....	ترک عادت، موجب مرض است
۵۹.....	اریاب ستمگر
۶۲.....	فرزندان نامهربان
۶۴.....	تنبل تن لش

۶۶.....	قصه
۶۸.....	پارچه فروش دوره گرد و مرد سوار
۷۰.....	پيله‌ور و دزد
۷۱.....	پيرمرد بدشانس
۷۳.....	ديگر، نه من، نه تو
۷۴.....	قصه
۷۵.....	بره و شبان
۷۷.....	خر نصيحت مي‌کند
۷۹.....	همسايه بد
۸۰.....	افسانه
۸۲.....	مگر من مرغم
۸۴.....	قصه
۸۵.....	قصه
۸۹.....	شير گربه آدميزاد
۹۱.....	زن لنگ و شوهر کوژ پشت
۹۲.....	پسرم مواظب باش! مغبونت نکنند
۹۴.....	شام خوشمزه

- مهمان و غذاهای رنگارنگ ۹۵
- وز وز سماور چه می گوید؟ ۹۶
- شهر دیوانگان ۹۷
- دوستی خاله خرسه و عمو روباه ۹۹
- پارچه نامرئی ۱۰۱
- روباه به کنج قناعت پناه می برد ۱۰۳
- جلو ضرر را از هر جا بگیرد، نفع است ۱۰۵
- پیره ریوی ۱۰۵

فصل دوم : منتخبی از سروده‌های شاعران سقزی

- خاکی سه‌قز / سروده‌ی مرحوم شیخ رئوف ضیائی ۱۱۰
- خاکی سه‌قز / سروده‌ی مرحوم نافع مظهر ۱۱۲
- په‌یامی سه‌قز / سروده‌ی مرحوم استاد محمدرسول شیرازی ۱۱۳
- خاکی سه‌قز / غزلی از مرحوم ملک الکلام مجدی سقز ۱۱۴
- ئهی سه‌قز / ماموستا مه‌لاحه‌سه‌نی فه‌یزبه‌خش ۱۱۵
- سقز / حامد اسعدی ۱۱۸
- شه‌مال / سروده‌ی مرحوم نافع مظهر ۱۲۰
- ناسمانی شین / ماموستا گوران ۱۲۱

فصل سوم : ضرب المثل‌ها پند پیشینیان

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

عدم ثبات و تغییر، خاصیت ذاتی جهان پیرامون ماست. در بی کران هستی، بدون استثنا، همه پدیده‌های مادی، مشمول قانون ثابت تغییرند! امواج خروشان دریاها و اقیانوس‌ها از آغاز پیدایش، آهنگ تغییر را زمزمه می‌کنند! کوه‌های بلند، آرام آرام فرسایش یافته پیر می‌شوند. تغییر مسیر تدریجی رودها و تخریب روزانه محیط زیست، براساس قانون نانوشته فوق صورت می‌گیرد و «... کره زمین با سرعت ۵۰۰ متر در ثانیه، به دور محور مرکزیش می‌چرخد و شبانه‌روز را به وجود می‌آورد. با سرعت ۳۰ کیلومتر در ثانیه، به دور خورشید می‌گردد و چهار فصل را به وجود می‌آورد. منظومه شمسی با سرعت ۲۵۰ کیلومتر در ثانیه، به دور کهکشان راه شیری می‌گردد!...»^۱

زادن و مردن، همزاد ابدی موجودات زنده هستند. همه زندگان، رهروان حرکتی جبری در فراخنای حیاتند! حرکتی از تولد به مرگ! فرهنگ‌ها، آیین‌ها و تمدن‌ها نیز تابعی از این متغیرند و داستان‌ها، تمثیل‌ها و ضرب‌المثل‌ها همچنین، ... به وجود می‌آیند، برای زمانی معین رواج دارند، زنده‌اند و اگر حفظ و نگهداری نشوند می‌میرند و برای همیشه فراموش می‌گردند!

در میان همه اقوام و نژادها، فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی، (تمثیل‌ها قصه‌ها پند پیشینیان) که از نسلی به نسل دیگر سپرده شده‌اند، با انتقال ارزش‌ها، تداوم فرهنگ‌ها و

آئین‌ها را رقم می‌زنند. هر بخش از این گنجینه، ناقل پیام‌های سودمندی هستند که به نوبه خود می‌توانند راهنمای حل مشکلی یا آرام بخش روحی ناآرام و آشفته و تسکین دهنده آلمی از آلام درونی انسانی دردمند باشند.

در حقیقت، فرهنگ عامه، میراث نیاکان نجیب و سخت کوش ما، در کوره راه‌های زندگی گذشته و زمان‌های دورند که سینه به سینه از اجداد به پدران و از آنان به فرزندان رسیده‌اند که در این سفر طولانی پالایش یافته و در بوته زمان صیقل گرفته و آراسته و پیراسته گشته‌اند. آنچه را که در جلد سوم این مجموعه از نظر خواننده می‌گذرد، دنباله آغازیست که در سال ۱۳۸۰ با همیاری و پایمردی دانشجویان عزیز دانشگاه‌های شهرمان و بسیاری از همکاران علاقمند و دلسوز به فرهنگ غنی و ریشه‌دار منطقه باستانی و علم پرور سقز و دیگر عزیزانی که با کندوکاو در زوایای خاطرات خویش، آنچه را که از ادبیات شفاهی، به یاد داشته‌اند، عرضه نمودند، تا با تنظیم و ثبت آن‌ها در این دفتر، مانع زوال و فراموشی این گنجینه عظیم میراث فرهنگی، در حد توان خویش شده باشیم.

در واقع فولکلور هر قوم، به مشابه قالب‌هایی هستند که حاوی مجموعه‌ای از تجارب تلخ و شیرین خالقان نخستین آن‌ها هستند. قالب‌هایی که حتی در قرن ۲۱ (قرن انفجار اطلاعات) و عصر جهانی شدن وسایل ارتباط جمعی نیز، ماهیت فرهنگی خود را برای علاقمندان تعریف می‌کنند.

خطه‌ی زرخیز گُردستان بالاعمّ و شهر زیبا و تاریخی و سرفراز سقز بالاخص، همواره خاستگاه و گهواره قصه‌های حکمت آمیز، تمثیل‌های عبرت‌انگیز و پندهای پیشینیان آموزنده‌ای بوده و فرزندان با ذوق و فهم این کهن دیار مقدس، در ثبت و نقل و انتقال و نیز حراست از ماندگاری آن‌ها، کوشا و جاهد بوده‌اند.

اشاره به نام پیشتازان بزرگی که نخستین گام‌ها را برای گردآوری و حفظ این بخش از ادبیات شفاهی برداشته‌اند، مبین این نکته است که «کرد با فرهنگ» در مقایسه با دیگر اقوام

و تمدن‌ها، در زمینه خلاقیت‌های فکری و آفرینش‌های فولکلوریک، از موقعیت و جایگاه شاخص و غرور آفرینی برخوردار است.

مرحوم دکتر علاء الدین سجادی با جمع‌آوری اثر سترگ ۸ جلدی رشته مروارید و ثبت و ضبط نکته‌های فولکلوریک کردی، از فراموشی و نسیان تدریجی بسیاری از نکته‌های آموزنده جلوگیری نموده و به سان گنجینه‌ای غنی از ادب و فرهنگ کردی، در اختیار نسل‌های آینده قرار داده است.

دکتر عزالدین مصطفی رسول، استاد دانشگاه سلیمانیه در کتاب «پژوهشی در فولکلور کردی»^۱ با ضبط داستان‌های (زنیل فروش، خه ج و سیامند، ترانه‌های محلی، ضرب‌المثل‌ها و طنزها، سری در مجموعه لطایف و ظرایف مکتوب کردی و ...) شاید نخستین پژوهنده‌ای است که با دیدی علمی انتقادی، فولکلورهای کردی را مورد بررسی قرار داده است.

مرحوم استاد هژار، در بین انبوه آثار علمی و فرهنگی که در عمر پر بارشان منتشر کردند، حماسه جاودانه «مهم و زین» اثر احمد خانی را از لهجه بادینانی به کردی سورانی ترجمه کرده است و در اختیار علاقمندان قرار دادند.

نویسنده‌ی با ذوق در شهر فرهنگ پرور و زیبای بوکان، فتح‌امیری، با خلق داستان‌های شیرین و عبرت‌آموز، «میرزا» و «هاواره به‌ره»، گام‌های بزرگی در این مسیر برداشتند.

محمد ریان‌ی، کتاب ارزشمند «داستان‌های کهن کردی و ۴۲۰ پهن‌دی رازاوه» نوشته «روژه لیسکو» را ترجمه و به همراه داستان زیبا و روایی «خه ج و سیامه‌ند» منتشر نمودند.

رضا سرسیفی نویسنده با ذوق، گزیده ارزشمندی از پندهای پیشینیان کردی منطقه سقز

1- پژوهشی در فولکلور کردی، نویسنده عزالدین مصطفی رسول، مترجم عرفان صاحبی، چاپ ۱۳۷۹، انتشارات

را تدوین و منتشر ساختند.

نویسنده‌ی متعهد و صاحب قلم، حیدر لطفی‌نیا استاد فرهیخته ادبیات فارسی دانشگاه، اثر ارزنده «حماسه‌ی قوم کُرد» و نیز «چپروکه کوردیه‌کان» را به علاقمندان ادب کردی عرضه کردند. و بالاخره بسیاری دیگر از بزرگان، که صرفاً به انگیزه و ذوق شخصی و براساس علاقه قلبی به میراث‌های فرهنگی کردی، در این عرصه قلم زده‌اند که شایسته تقدیر و ستایش می‌باشند.

راقم این سطور نیز به سهم خود و با اشتیاق، گام‌های کوچکی را در جهان پهناور ادبیات کردی برداشته و بر آنم تا دیگر هم‌وطنان کشورم آن‌ها را بخوانند و به این یقین برسند که؛ کردستان مهد فرهنگ غنی و بارور آریایی است و سهم کُردها نه تنها از دیگر اقوام در شکوفا ساختن فرهنگ ایران زمین کمتر نیست، بلکه در بسیاری از موارد، با آفرینش چکامه‌های نغز و اشعار شیوا و ترانه‌های محلی و قصه‌ها و افسانه‌های بکر و ناب و تمثیل‌های پر محتوا، نقش‌نمایی را در غنای ادبیات این مرزوبوم ایفا کرده‌اند.

من، بر این باورم که نشر آثاری از این دست، موجب انگیزه در جوانان با ذوق و فاضل سقز زیبا، می‌گردد. تا کنجکاوانه و با هدف صیانت از گنجینه عظیم میراث‌های فرهنگی و ممانعت از فزونی این ارزش‌ها در زیر غبار ایام، و جلوگیری از نسیان و فراموشی پندها و نکته‌هایی که در بایگانی فکر سالمندان منطقه حفظ شده‌اند، بدون بیم از صعوبت راه و مشکلات امر پژوهش، گام بردارند، و نتیجه کارشان را در دسترس علاقمندان نسل جوانتر قرار دهند.

علمای تعلیم و تربیت، اعتقاد دارند که گاهی شنیدن یک قصه قدیمی یا ضرب المثلی و یا مطالعه شعر پر محتوایی، شخص را متوجه برخی از لغزش‌ها و اشتباهات حاصله در گذر زمان نموده و او را برای جبران آن به تلاشی دگرباره و می‌دارد.

به شعر بسیار زیبای زیر، اثر شاعر پر احساس شهرمان، پیمان طاطایی توجه فرمایید:

« و تو، ای مونس شب‌های دراز

برخیز

صبحدم، در رازد

و بگفته است مرا:

که نه وقت خواب است ... و

به پا خیز که صبح

قصه گوی دگر است

عشق در رویاها است

چون که بیدار شوی

... همه بوج است و خیال»¹

قصه پر معنی زیر را از شیخ اجل، سعدی بخوانید و درباره پیام مستتر در آن تعمق کنید:
«... مهمان پیری بودم در (دیاربکر)، که مال فراوان داشت و فرزندى خویروی. شبى حکایت کرد که مرا به عمر خویش بجز این فرزند نبوده است. درختی در این وادی زیارتگاه است که مردان به حاجت خواستن آن جا روند. شب‌های دراز در پای آن درخت، به حق نالیده‌ام، تا مرا این فرزند بخشیده است! شنیدم که پسر با رفیقان، آهسته می‌گفت: چه بودی که من آن درخت را بدانستمی کجا است، تا دعا کردمی و پدر بمردی!

سال‌ها بر تو بگذرد که گذار نکنی سوی تربت پس‌دردت

توبه جای پدر چه کردی خیر تا همان چشم داری از پس‌دردت

«گلستان باب هشتم حکایت سوم»

شاعر و منتقد معاصر، سید محمود سجادی در این مورد می‌نویسد: «... عُمر قصه، عمر

¹ «پیمان طاطایی، کوزه، چاپ دوم»

زبان است و زمان، قصه با بشر زاده شده و تا بر روی کره خاکی، انسانی و انسان‌هایی زندگی می‌کنند، قصه وجود خواهد داشت. شادی‌ها غم‌ها، ترس‌ها، آرزوها، دل‌مشغولی‌ها، حسرت‌ها و نیازهای انسان، همیشه در طول تاریخ پیدایی آدمیزاد، خود را در قصه‌های مخلوق او نشان داده‌اند. ...» (۱۳۹۲)

باشد که مطالعه این قصه کوتاه سعدی، جوان مغروری را در مورد جفا‌هایی که بر پدر یا مادرش روا داشته است، بی‌اگاهاند و لغزش‌های فکری او را اصلاح کند. یا مطالعه ضرب‌المثل مشهور: «ده‌رمانی ریگا رویشتنه» (چاره راه حرکت و رفتن است) آدم مرددی را در اقدام به کاری که در پیش دارد، تشویق کند و جرأت و جسارت بخشد که مردانه گام در راه گذارد و سختی‌ها را بر خود هموار سازد به قول حافظ:

گرچه منزل بسی خطرناک است و مقصد ناپدید هیچ را می‌زیست کائرا نیست پایان غم مخور
صدها قصه و افسانه منظوم و منثور در ادبیات عامیانه کُردی وجود دارند که جدای از موضوع و محتوا، اعم از غنایی حماسی یا تمثیلی، هر کدام دارای بار ارزشی ویژه‌ای در بیداری و انداز شنونده یا گیرنده پیام می‌باشند یا هراسان‌بند پیشینیان و ضرب‌المثل، در اذهان مردم کوچه و بازار هستند که در دیالوگ‌هایشان برای اثبات افکار و اندیشه‌ها یا ردّ عقیده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند.

گردآوری و تدوین هر یک از این مجموعه‌های فولکلوریک خدمت ارزشمندی است به جلوگیری از فراموشی و گم‌شدن آن‌ها در پیچ و خم خاطرات و یاد‌های مردم. اگر در تداوم این امر مهم قصوری رخ دهد، با مرگ دارندگان و دانندگان قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و تمثیل‌ها، بخش بزرگی از ادبیات شفاهی و عامیانه مردم سراقراز و با فرهنگ شهرمان فراموش شده و در محاق نیستی قرار می‌گیرند.

عرفان صاحبی

سفر تیرماه ۱۳۹۲